

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

ادامه بیان تحقیق در بحث

در مورد امکان یا عدم امکان وضع عام و موضوع له خاص، بحث به ارائه تحقیق رسید که آن را طی دو مطلب بیان می‌نمائیم:

مطلب اول: در باب وضع، مرآتیت و حکایت معنای تصور شده برای موضوع له توسط واضع، لزومی ندارد؛ بلکه مبنای امام (رحمه‌الله) که کفایت مجرد انتقال است به نظر ما صحیح می‌باشد. چرا که در وضع، واضع باید به طریقی لفظ را در مقابل موضوع له قرار بدهد و این مسئله با انتقال محقق خواهد شد.

به بیان دیگر ما به جای حکایت و انطباق، انتقال را می‌گذاریم، اما مرحوم آخوند (رحمه‌الله) فرمود به این جهت قسم سوم ممکن است که عام بما هو عام می‌تواند حاکی از خاص باشد.

اما این اشکال پیش آمد که مفهوم عام از مفهوم خاص حاکی و بر آن منطبق نیست؛ یعنی نمی‌توانید بگوئید مفهوم زید، مفهوم انسان است. اما اگر مسئله حکایت و مرآتیت را کنار بگذاریم و فقط مسئله انتقال را مطرح نمائیم، در باب وضع می‌گوئیم واضع قصد دارد معنایی را تصور نماید و باید به نحوی به موضوع له منتقل شود و به راحتی از عام به خاص و از خاص به عام می‌توان منتقل شد.

مطلب دوم: به نظر ما اصل فرمایش صاحب منتقى الاصول (رحمه‌الله) که در وضع لازم نیست موضوع له توسط واضع اجمالاً یا تفصیلاً تصور شود صحیح است و اصل وجود و تعیین موضوع له به حسب واقع کفایت می‌نماید.

اما اشکال این است که ایشان فرمود بعد از تصور مفهوم کلی انسان توسط واضع، یک مشیر و مفهوم دوم مانند «ما ینطبق علیه الانسان» یا «ما هو فردٌ للانسان» که مرتبط با مفهوم کلی است به افراد اشاره نموده و از این طریق لفظ برای افراد قرار می‌گیرد، برای این که طبق مطلب اول، عنوان مشیر سبب ایجاد تصور اجمالی موضوع له است.

به نظر ما به جای مطرح کردن عنوان مشیر باید بگوئیم در وضع عام موضوع له خاص، واضع باید ابتدا معنای عام را تصور نماید تا وضع عام محقق شود. در مرحله بعد، لفظ را برای مصادیق «ما یرتبط بهذا العنوان» و آنچه در خارج به آن ارتباط دارد و نه مفهوم آن قرار دهد تا موضوع له خاص نیز محقق شود.

به بیان دیگر عنوان «ما ینطبق» یا «ما هو فردٌ» حکایت اجمالی از افراد دارد، اما طبق مبنای ما هر چند عنوان اجمالی که

ارتباط به این مفهوم دارد به میان می‌آید، یعنی واضع می‌گوید من لفظ انسان را برای مصادیقی که مرتبط به این مفهوم است وضع می‌نمائیم، اما اولاً در آن مرآتیت و حکایت از افراد وجود ندارد و ثانیاً لازم نیست آن را در نظر بگیرد بلکه از ابتدا موضوع له را مصادیق ما مرتبط قرار می‌دهد. مبنای ما چند نتیجه بسیار مهم دارد:

نتیجه اول: مصادیق نه تفصیلاً و نه اجمالاً تصور نمی‌شوند؛ چرا که عنوان «ما مرتبط» اگر چه عنوانی است اجمالی اما حکایت اجمالی از این افراد ندارد و بین عنوان اجمالی و حکایت اجمالی فرق واضح و روشن است.

نتیجه دوم: واضع می‌تواند در یک وضع، لفظ را برای دو معنا که ضد یکدیگر هستند وضع نماید برای این که هم افراد حقیقی معنا و هم ضد آن، به این معنا به نحو ارتباط ضدیّ مصادیقی، مرتبط هستند؛ مثل این که واضع کلمه «قرء» را هم برای «حیض» و هم برای «طهر» قرار داده است، در حالی که این دو معنا ضد یکدیگر هستند. اما این مسئله طبق مبنای صاحب منتقی الاصول (رحمه الله) امکان ندارد.

نتیجه سوم: هم قسم سوم و هم قسم چهارم ممکن خواهد شد؛ به این بیان که در قسم سوم، واضع ابتدا عام را در نظر گرفته و لفظ را برای مصادیق مرتبط با مفهوم عام در نظر می‌گیرد و وضع را انجام می‌دهد. در قسم چهارم نیز واضع معنای خاصی را در نظر گرفته و مفهومی که مرتبط با آن است را به عنوان موضوع له در نظر می‌گیرد.

اما طبق آنچه از مرحوم محقق عراقی (رحمه الله) در کتاب مقالات الاصول نقل شده است، ایشان مسئله مرآتیت و حکایت را در نظر گرفته اند لذا قسم سوم و چهارم را محال می‌دانند. اما طبق نقل کتاب نه‌ایة الافکار قسم سوم را ممکن و قسم چهارم را محال می‌دانند.

گلایه از برخی نسبت‌های ناروا نسبت به نظام و رهبری معظم انقلاب

متأسفانه این روزها صحبت‌هایی از برخی افراد هم لباس ما مطرح شده است که در آن صحبت‌ها و نسبت‌های ناروا، غیر صحیح و بی‌اساس نسبت به نظام جمهوری اسلامی و به رهبری معظم انقلاب مطرح شده و خوراک تبلیغاتی فراوانی برای دشمنان اسلام و انقلاب فراهم کرده است.

بسیار جای تأسف است انسان به حدی برسد که به این میزان ناروا و بی‌پایه و اساس صحبت کند. زمانی که مطالب این گوینده را می‌شنویم و اگر بخواهیم آن را قضاوت نمائیم، مشحون از مطالب کاملاً آشفته، بی‌پایه، بی‌دلیل و اتهام‌گونه است.

حاکم بر این نظام دین است و مجموعه نظام متشکل از مردم، امام، روحانیت، شهدا و جانبازان هستند. آیا صحیح است انسان چشم خود را ببندد و بگوید «این مملکت پر از جنایات است»؟! این تعبیر با هزاران تأسف و تعجب در کلمات او وجود دارد.

بله هیچ شخص عاقلی نمی‌گوید در این مملکت اشتباه وجود ندارد و نه امام (رحمه الله) و نه رهبری مدعی چنین مطلبی هستند. این همه فساد مالی در نهادها و بخش‌های مختلف و خلاف شرع وجود دارد. اما این که انسان چشم را ببندد و از صدر تا ذیل بگوید پر از جنایات است، قطعاً جوابی برای خداوند نخواهند داشت. آیا امروز در این مملکت افرادی که دنبال تحکیم اسلام و خدمت به تمام مردم و به صورت خاص به مستضعفین و فقیرا باشند، وجود ندارد؟!

فقط در همین مورد یعنی خدماتی که به مردم و به صورت خاص برای فقرا شده و می‌شود، با وجود این همه تحریم، دشمنی و مصائب، قائل مقایسه با دوران طاغوت و به صورت کلی با هیچ دورانی نیست.

البته مشکلات خیلی زیاد است ولی این که انسان نسبت به یک نظام مبتنی بر دین بگوید این نظام پر از جنایات است یعنی در صدد نفی حکومت داشتن اسلام در زمان غیبت است و می‌خواهد بگوید غیر از معصوم (علیه‌السلام) هیچ کس نمی‌تواند حکومت نماید.

سپس اعتراض هم می‌کند که چرا همه ساکت نشسته و مهر سکوت به لب زده‌اند؟! بالأخره این احتمال را بدهید دیگران به اندازه شما و یا بهتر از شما می‌فهمند و تقوا و آشنایی نیز دارند. ولی این که انسان همه چیز را یک باره بشوید و کنار بگذارد و همه را مقصر بداند صحیح نیست.

در ادامه هم بگوید رهبری، علماء، همه مراجع، به صورت کلی تمام کسانی که امروز در خدمت این نظام هستند و تمام مردم باید توبه کنند! این چه حرف و فکر سخیفی است که هزاران درجه از خوارج بدتر است.

ما این مطلب که احدی با معصومین (علیهم‌السلام) قابل مقایسه نیست را جزء اعتقادات خود داریم و به آن باور داریم اما انسان ناخودآگاه به یاد زمان امیرالمومنین (علیه‌السلام) و خوارج می‌افتد که این گروه به ایشان گفتند باید توبه کنی!!!

بنده به شخصه نسبت به جهات علمی و غیر علمی این شخص هیچ اطلاعی ندارم ولی آیا او این روایت را ندیده‌است که امام صادق (علیه‌السلام) از قول پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نقل می‌فرماید که «ثَلَاثٌ لَا يُغْلُّ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ وَ النَّصِيحَةُ لِأَئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ...»^[1] آیا نصیحت به ائمه مسلمین که دستور آن حضرت است را به تهمت معنا کرده‌اید؟! نصیحت یعنی خیرخواهی، آیا کار شما مصداق خیرخواهی است که می‌گوئید 40 سال در تمام این مملکت جنایت شده‌است؟!

در مورد فتنه 88 می‌گوید مسئولیت هر قتلی که صورت گرفته‌است رهبری انقلاب می‌باشد. اگر فتنه 88 که در آستانه نهم دی هستیم را بخواهیم منصفانه تحلیل نمائیم باید بگوئیم، اگر رهبری با درایت خود این فتنه را تدبیر ننموده بودند، امروز این مملکت تجزیه شده و صدها هزار خون ریخته شده بود. اگر ولایت فقیه و شهید بزرگوار حاج قاسم سلیمانی (رحمه‌الله) قضیه داعش را مدیریت ننموده بودند، امروز عراق، سوریه و ایران در حلقوم داعش بود. این برای شما خوب است؟!

واقعیت این است که داعش تا 40 کیلومتری بغداد رسیده بود و اگر بغداد عراق را گرفته بود، امروز ایران آرامش داشت؟! امروز ایران این وضع را داشت؟ اینها تدبیر کردند و در نطفه این گروه را خفه کردند.

این آقا چه جوابی به شهادی مدافع حرم دارد؟ شهید بزرگوار «محمود تقی‌پور» (رحمه‌الله) که شاید شش یا هفت سال در درس فقه و اصول ما حضور داشت و طلبه بسیار پرکار، مهذب و مؤثر بود از جمله این شهیدان است. او در این مسیر گام برداشت و جانش را خالصانه اهدا نمود. شما که اسم اینها را جنایت گذاشتید، آیا می‌توانید جواب این خون‌ها را بدهید؟!

بسیار باید تأسف خورد. من توصیه می‌کنم این آدم صحبت‌هایش را چند بار بشنود و هر بار هر کلمه‌اش را ببیند و با 60 - 70 سال منبر و وعظ خود، مقایسه نماید.

در دوران جنگ شخصی از شاگردان امام (رحمه‌الله) که در مراحل علمی بسیار بالا بود، سر قضیه‌ای کتاب اخلاق اسلامی نوشت و خود را معلم اخلاق مطرح کرد. او از ایران رفت و بلندگوی صدام در رادیوی عراق علیه رزمندگان و امام (رحمه‌الله) شد. شما با این رفتار می‌خواهید مثل او بشوید؟!

این قبیل مسائل باید برای ما درس باشد. تمام این درسها عنوان علل معده را دارد و ما باید از خودمان مراقبت نمائیم. هر روز

خود را به خدا بسپاریم تا مبادا در انتهای عمر به این مسیر منتهی شویم.

بله اگر شخصی انتقاد دارد باید انتقاد را خیلی معقول بیان نماید و مثلاً نامه بنویسد. اما این که سر تا پای نظام را مخلوط با قتل و جنایت بداند و این گونه دندان های دشمن را علیه اسلام تیز کند اشتباه است و خدمت به اسلام نیست.

به لطف خدا و هدایت های کلی امام بزرگوار (رحمه الله) که برای ما به ارمغان و میراث گذاشته این نظام و کشور حفظ شده است؛ اما در این شرایط به جای این که قدردان رهبری معظم باشیم که آمریکا، اسرائیل و سازمان های امنیتی را بیچاره کرده است که ماندند چه کنند و هر روز راهی را طی می کنند برای این که این نظام را از بین ببرند، باید چنین رفتاری انجام بدهیم؟!

تردیدی نیست امروز رهبری دلسوزترین فرد برای حفظ اسلام، مکتب شیعه و ایران است. سکان دار شیعه نه فقط در ایران بلکه در دنیا چنین شخصیتی است که آن را اداره می نماید. اگر واقعاً کسی در این مسئله تردید نماید نمی توان گفت بی انصاف است بلکه باید بگوئیم اهل حقد و کینه است.

هر روز انسان می بیند هزار دشمن اضافه شده است. در این 40 سال نگذاشتند این کشور آرامش داشته باشد و مسیر تکامل را طی نماید. کار به جایی رسیده است که دارو را هم به روی کشور ما بستند. صادرات نفت ما را به صفر رساندند و مشکلات درست می کنند.

ما باید دعا کنیم که خدای تبارک و تعالی سایه ایشان و همه مراجع را مستدام بدارد و ان شاء الله این نظام را روز به روز قدرتمندتر حفظ بفرماید.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1] «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص خَطَبَ النَّاسَ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ فَقَالَ نَضَرَ اللَّهُ عَبْدًا سَمِعَ مَقَالَتِي فَوَعَاَهَا وَحَفِظَهَا وَبَلَّغَهَا مَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا فَرُبَّ حَامِلٍ فِقْهٍ غَيْرُ فِقْهِهِ وَرُبَّ حَامِلٍ فِقْهٍ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ ثَلَاثٌ لَا يُغْلُ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ وَ النَّصِيحَةُ لِأَيِّمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَ اللُّزُومُ لِمَجَامِعَتِهِمْ فَإِنْ دَعَوْتُهُمْ مُحِيطَةٌ مِنْ وَرَائِهِمُ الْمُسْلِمُونَ إِخْوَةٌ تَتَكَافَأُ دِمَاؤُهُمْ وَ يَسْعَى بِذِمَّتِهِمْ أَذْنَاهُمْ.» الكافي (ط - الإسلامية)، ج 1، ص: 403.